

درس



مِنْ صَوْرِهَا شَهِي خِرَاسَانِي



درسی از آن جناب درباره‌ی اینکه زمین از مردی عالم به همه‌ی
دین که خداوند او را در آن خلیفه، امام و راهنمایی به امر خود
قرار داده باشد، خالی نمی‌ماند.

باب (۳)

احادیث صحیحی از اهل بیت که بر این دلالت دارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



حدیث ۲۷

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النَّعْمَةِ»^۱، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ وَسَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَإِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ جَمِيعًا، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدُبِ الْفَزَارِيِّ، عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ، قَالَ:

أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَانِ، فَلَمَّا أَصَحَرَ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ، ثُمَّ قَالَ: يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ! إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا، فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَجٌ رِعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. يَا كُمَيْلُ! الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ التَّفَقُّهُ وَالْعِلْمُ يَزُكُّوهُ عَلَى الْإِنْفَاقِ وَصَنِيعِ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ. يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ! مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ، بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَجَمِيلَ الْأُحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ وَالْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ. يَا كُمَيْلُ! هَلَكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءٌ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ. هَا إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً، بَلَى أَصَبْتُ لَقِنًا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ، مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَمُسْتَظْهِرًا بِنِعَمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَمُحْجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ، أَوْ مُنْقَادًا لِحِمْلَةِ الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ، يَنْقَدِحُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوْلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَةٍ. أَلَا لَا ذَا وَلَا ذَاكَ، أَوْ مِنْهُومًا بِاللَّذَّةِ سَلِسِ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ، أَوْ مُغْرَمًا بِالْجُمُوعِ وَالْإِدْخَارِ. لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ. أَقْرَبُ شَيْءٍ سَبَبًا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ. كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا، لَعَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ وَكَمْ ذَا؟ وَأَيْنَ أَوْلِيكَ؟ أَوْلِيكَ وَاللَّهُ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَالْأَعْظُمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَيَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ، هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ وَاسْتَلْتَلُّوا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتْرَفُونَ وَأَنُوسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى. أَوْلِيكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي



أَرْضِهِ وَالِدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ. آهٍ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَتِهِمْ. انْصَرَفَ يَا كَمِيلُ إِذَا شِئْتَ - وَفِي رِوَايَةٍ
فُضِيلِ بْنِ خُدَيْجٍ: وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكَ.

ترجمه:

محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» روایت کرده، (به این صورت که) گفته است: محمد بن حسن بن احمد بن ولید رضی الله عنه ما را حدیث کرد، از محمد بن حسن صفار و سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر حمیری، از احمد بن محمد بن عیسی و ابراهیم بن هاشم هر دو، از عبد الرحمن بن ابی نجران، از عاصم بن حمید، از ابو حمزه ثمالی، از عبد الرحمن بن جندب فزاری، از کمیل بن زیاد نخعی که گفت:

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام دستم را گرفت و من را به بیابان برد. پس چون به صحرا رسیدیم، نفس عمیقی کشید و سپس فرمود: ای کمیل بن زیاد! این دل‌ها ظرف‌هایی هستند و بهترینشان آن است که نگه‌دارنده‌تر است. چیزی که برایت می‌گویم را به خاطر بسپار. مردم سه کس هستند: عالمی ربّانی و متعلّمی که در راه نجات است و خس و خاشاک؛ آنان که از هر بانگ بلندی پیروی می‌کنند و با هر بادی به سویی می‌گرایند، نه از نور علم روشنی برگرفته‌اند و نه به ستون استواری پناه برده‌اند. ای کمیل! علم بهتر از مال است. علم تو را پاس می‌دارد و تو مال را پاس می‌داری و مال با انفاق کاسته می‌شود و علم با انفاق افزایش می‌یابد و پرورده‌ی مال با زوال آن از بین می‌رود. ای کمیل بن زیاد! دوست داشتن علم، دینی است که به آن گردن نهاده می‌شود؛ انسان با آن در زندگی‌اش طاعت و بعد از مرگش نام نیک را کسب می‌کند و علم فرمانروا و مال فرمانبردار است. ای کمیل! کسانی که اموال را می‌انبارند مرده‌اند در حالی که زنده‌اند و عالمان باقی هستند تا هنگامی که روزگار باقی است؛ خودهاشان مفقود می‌شوند، ولی حکمت‌هاشان در دل‌ها موجود است. آه، در اینجا -و با دست به سینه‌اش اشاره فرمود- علم انبوهی نهفته است، کاش برای آن حاملانی می‌یافتم! آری، کسی را یافتم که نیک در می‌یافت، ولی بر آن امین نبود؛ ابزار دین را برای دنیا به کار می‌گرفت و با حجّت‌های خداوند بر خلقش و با نعمت‌های او بر اولیائش برتری می‌جست، یا کسی که پیرو حاملان علم بود، ولی بصیرتی در پیچ و خم‌های آن نداشت، با نخستین شبهه‌ای که پیش آید شک به دلش راه می‌یافت. بدان که نه این و نه آن؛ یا کسی که تشنه‌ی لذّت‌هاست، مهارش را به شهوت‌ها سپرده، یا کسی که در



پی اندوختن و انباشتن است؛ هیچ یک از پاسداران دین نیستند. شبیه‌ترین چیز به آن دو چهارپایان چرنده‌اند. این گونه علم با مرگ حاملانش می‌میرد. آری خداوند! زمین از قیام‌کننده‌ی برای خداوند به حجت خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و مشهور باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بیّنات خداوند باطل نشود و آنان چند نفرند و کجا هستند؟! آنان به خدا سوگند در شماره اندکند و در منزلت عظیم. خداوند به وسیله‌ی آنان حجت‌ها و بیّنات خود را حفظ می‌کند، تا اینکه آن‌ها را به نظیر خود بسپارند و در دل مانند خود بکارند. علم با بصیرت راستین به آنان تاخته است و با روح یقین آمیخته‌اند و چیزی که نازپروردگان دشوار پنداشته‌اند را آسان دانسته‌اند و با چیزی که جاهلان از آن وحشت دارند انس گرفته‌اند و با تن‌هایی همنشین دنیابند که جان‌هاشان به جهان بالا آویخته است. آنان خلفاء خداوند در زمینش و دعوت‌کنندگان به سوی دینش هستند. آه که چه اندازه مشتاق دیدار آنانم! ای کمیل! هرگاه خواستی برگرد و در روایت فضیل بن خدیج آمده است: از خداوند برای خودم و تو آموزش می‌طلبم.

[ملاحظه]

قَالَ الْمَنْصُورُ حَفِظَهُ اللَّهُ تَعَالَى: هَذَا حَدِيثٌ ثَابِتٌ عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ وَكَانَ مِنْ بَطَانَةِ عَيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ رَوَاهُ عَنْهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ جُنْدَبٍ وَفُضَيْلُ بْنُ خُدَيْجٍ وَمُجَاهِدٌ وَأَبُو صَالِحٍ وَعَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ التَّمِيمِيُّ وَهُوَ أَصْحَبُ شَيْءٍ فِي هَذَا الْبَابِ، ذَكَرَهُ ابْنُ عَبْدِ الْبَرِّ [ت ٤٦٣هـ] فِي «جَامِعِ بَيَانِ الْعِلْمِ وَفُضْلِهِ» وَقَالَ: «هُوَ حَدِيثٌ مَشْهُورٌ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ يُسْتَعْنَى عَنِ الْإِسْنَادِ لِشُهْرَتِهِ عِنْدَهُمْ» وَقَالَ ابْنُ كَثِيرٍ [ت ٧٧٤هـ] فِي «الْبَدَايَةِ وَالنِّهَايَةِ»: «قَدْ رَوَاهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْحَفَاطِ الثَّقَاتِ».

ترجمه:

منصور حفظه الله تعالى فرمود: این حدیثی ثابت از کمیل بن زیاد است و او از یاران نزدیک علی علیه السلام بود و عبد الرحمن بن جندب و فضیل بن خدیج و مجاهد و ابو صالح و عبید الله بن عمر تیمی آن را از او روایت کرده‌اند و آن صحیح‌ترین چیز در این باب است؛ (چنانکه) ابن عبد البر [د. ٤٦٣ق] در کتاب «جامع بیان العلم و فضله» آن را یاد کرده و گفته است: «آن حدیثی مشهور نزد اهل علم است که با توجه به شهرتش نزد آنان، نیازی به سند ندارد» و ابن کثیر [د. ٧٧٤ق] در کتاب «البدایة و النهایة» گفته است: «جماعتی از راویان حافظ و ثقه آن را روایت کرده‌اند».

١. ج ٢، ص ١١٢

٢. ج ٩، ص ٥٧

[حدیث ۲۷-۱]

رَوَى أَبُو نُعَيْمٍ [ت ۴۳۰هـ] فِي «حِلْيَةِ الْأَوْلِيَاءِ»، قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْحَاقَ، وَثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَ: ثَنَا أَبُو نُعَيْمٍ ضَرَّارُ بْنُ صُرَدٍ، وَثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْحَافِظُ، ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخُتَعَمِيُّ، ثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى الْفَزَارِيُّ، قَالَ: ثَنَا عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدِ الْخِطَّاطِ، ثَنَا ثَابِتُ بْنُ أَبِي صَفِيَّةَ أَبُو حَمَزَةَ الثَّمَالِيُّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ.

ترجمه:

ابو نعیم [د. ۴۳۰ق] در حلیة الأولیاء روایت کرده، گفته است: حبیب بن حسن ما را حدیث کرد، گفت: موسی بن اسحاق ما را حدیث کرد؛ همچنین، سلیمان بن احمد ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن عثمان بن ابی شیبة ما را حدیث کرد، هر دو گفتند: ابو نعیم ضرار بن صرد ما را حدیث کرد؛ همچنین، ابو احمد محمد بن محمد بن احمد حافظ ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن حسین خثعمی ما را حدیث کرد، گفت: اسماعیل بن موسی فزاری ما را حدیث کرد، هر دو گفتند: عاصم بن حمید خیاط ما را حدیث کرد، گفت: ثابت بن ابی صفیة ابو حمزه ثمالی ما را حدیث کرد، از عبد الرحمن بن جندب، از کمیل بن زیاد.

[حدیث ۲۷-۲]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ التَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ هِشَامِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ لُوطِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِلَّا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ خَائِفٌ مَغْمُورٌ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» روایت کرده، گفته است: پدرم رضی الله عنه من را حدیث کرد، گفت: سعد بن عبد الله ما را حدیث کرد، از یعقوب بن یزید، از عبد الله بن فضل بن عیسی، از عبد الله بن نوفلی، از عبد الله بن عبد الرحمن،



از هشام کلبی، از ابو مخنف لوط بن یحیی، از عبد الرحمن بن جندب، از کمیل بن زیاد که امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن گفتاری طولانی به او فرمود: «خداوندا! بی گمان تو زمین را از قیام‌کننده‌ی به حجت خالی نمی‌گذاری، خواه ظاهر و مشهور باشد و خواه ترسان و گمنام، تا حجت‌ها و بینات خداوند باطل نشود».

احدیت ۲۷-۳

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»^۱، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِيانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدُبٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي آخِرِ كَلَامٍ لَهُ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّتِهِ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ، لِيَأْخُذَ بِحُجَّتِكَ وَيَبَيِّنَاتِكَ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» روایت کرده، گفته است: جعفر بن محمد بن مسرور رضی الله عنه ما را حدیث کرد، گفت: حسین بن محمد بن عامر ما را حدیث کرد، از عمویش عبد الله بن عامر، از محمد بن ابی عمیر، از ابان بن عثمان احمر، از عبد الرحمن بن جندب، از کمیل بن زیاد نخعی که گفت: شنیدم علی علیه السلام در پایان سخنش فرمود: «خداوندا! بی گمان تو زمین را از قیام‌کننده‌ی به حجت خالی نمی‌گذاری، خواه ظاهر باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بینات باطل نشود».

احدیت ۲۷-۴

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»^۲، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ مَاجِيلَوِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ الْفَرَشِيِّ الْمُرِّيِّ، عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمِ الْمِنْقَرِيِّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ، عَنْ فَضِيلِ بْنِ حُدَيْجٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ.

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» روایت کرده، گفته است: پدرم و محمد بن حسن و محمد بن علی ماجیلویه رضی الله عنهم ما را حدیث

۰۱. ص ۲۹۴

۰۲. ص ۲۸۹



کردند، گفتند: محمد بن ابی القاسم ماجیلویه ما را حدیث کرد، از محمد بن علی کوفی قرشی مقرر، از نصر بن مزاحم منقری، از عمر بن سعد، از فضیل بن خدیج، از کمیل بن زیاد نخعی.

[حدیث ۲۷-۱۵]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»، قَالَ: حَدَّثَنَا بِهِدَا الْحَدِيثِ الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ بَكْرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْحَنْفِيِّ الشَّاشِيِّ بِإِيلَاقٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْبَزَّازِ الشَّافِعِيِّ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ قَالَ: حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ مُوسَى أَبُو عَلِيٍّ الْأَسَدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْهَيْثَمِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَعْقُوبَ إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّخَعِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي الْهَيْجَاجِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّائِبِ أَبُو مُنْذِرٍ الْكَلْبِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ لُوطِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ فَضِيلِ بْنِ خُدَيْجٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ قَالَ: أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ، فَخَرَجْنَا حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الْحَبَابَةِ - وَذَكَرَ فِيهِ: «اللَّهُمَّ بَلَى، لَا تَحْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، ظَاهِرٍ (مَشْهُورٍ) أَوْ بَاطِنٍ مَعْمُورٍ، لِيَلَّا تَبْظُلَ حُجْبُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ» وَقَالَ فِي آخِرِهِ: «انْصَرَفَ إِذَا شِئْتَ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» روایت کرده، گفته است: ما را حدیث کرد به این حدیث، حاکم ابو محمد بکر بن علی بن محمد بن فضل حنفی شاشی در شهر ایلاق، گفت: ابو بکر محمد بن عبد الله بن ابراهیم بزاز شافعی در مدینه السلام ما را خبر داد، گفت: بشر بن موسی ابو علی اسدی ما را حدیث کرد، گفت: عبد الله بن هیثم ما را حدیث کرد، گفت: ابو یعقوب اسحاق بن محمد بن احمد نخعی ما را حدیث کرد، گفت: عبد الله بن فضل بن عبد الله بن ابی هیجاج بن محمد بن ابی سفیان بن حارث بن عبد المطلب ما را حدیث کرد، گفت: هشام بن محمد سائب ابو منذر کلبی ما را حدیث کرد، از ابو مخنف لوط بن یحیی، از فضیل بن خدیج، از کمیل بن زیاد نخعی که گفت: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کوفه دستم را گرفت، پس بیرون رفتیم تا به بیابان رسیدیم و در آن ذکر کرد: «آری خداوندا! زمین از قیام‌کننده‌ی به حجت خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر (و مشهور) باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بینات خداوند باطل نشود» و در پایان فرمود: «هرگاه خواستی برگرد».

[حدیث ۲۷-۱۶]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «الْخِصَالِ»، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الْخَوَّاصُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْكُذَيْمِيُّ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ وَكَيْعٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ.

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «الخصال» روایت کرده، گفته است: ابوالحسن محمد بن علی بن شاه ما را حدیث کرد، گفت: ابواسحاق خوص ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن یونس کذیمی ما را حدیث کرد، از سفیان بن وکیع، از پدرش، از سفیان ثوری، از منصور، از مجاهد، از کمیل بن زیاد.

[حدیث ۲۷-۱۷]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو زُهَيْرٍ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الزِّيَّاتِ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِلَّا مَا ظَاهَرَ أَوْ خَافٍ مَعْمُورٌ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَبَيِّنَاتُكَ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» روایت کرده، گفته است: محمد بن موسی بن متوکل رضی الله عنه ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن ابی عبد الله کوفی ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن اسماعیل برمکی ما را حدیث کرد، گفت: عبد الله بن احمد ما را حدیث کرد، گفت: ابو زهیر عبد الرحمن بن موسی برقی ما را حدیث کرد، گفت: محمد بن زیات ما را حدیث کرد، از ابو صالح، از کمیل بن زیاد که گفت: امیر المؤمنین علیه السلام در گفتاری طولانی فرمود: «خداوند! بی گمان تو زمین را از قیام کننده‌ی به حجت خالی نمی‌گذاری، خواه ظاهر باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بینات باطل نشود».

[حدیث ۲۷-۱۸]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيُّ [ت ۴۰۶هـ] فِي «خَصَائِصِ الْأَئِمَّةِ»، قَالَ: حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامِ الْإِسْكَافِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَيْسَى بْنِ زَيْدِ الْعَلَوِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيِّ، عَنِ الْكَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ كَمِيلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ لَهُ: «اللَّهُمَّ بَلِّ، لَا تَحْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ، إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُودًا أَوْ خَافِيًا مَغْمُورًا، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن حسین رضی [د. ۴۰۶ق] در کتاب «خصائص الأئمة» روایت کرده، گفته است: هارون بن موسی من را حدیث کرد، گفت: ابو علی محمد بن همّام اسکافی من را حدیث کرد، گفت: ابو عبد الله جعفر بن محمد حسنی من را حدیث کرد، گفت: محمد بن علی بن خلف من را حدیث کرد، گفت: عیسی بن حسین بن عیسی بن زید علوی من را حدیث کرد، از اسحاق بن ابراهیم کوفی، از کلبی، از ابو صالح، از کمیل بن زیاد نخعی که گفت: امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در سخن خود فرمود: «آری خداوند! زمین از قیام‌کننده‌ی برای خداوند به حجت خالی نمی‌ماند، خواه ظاهر و آشکار باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بیّنات خداوند باطل نشود».

[حدیث ۲۷-۱۹]

وَرَوَى ابْنُ عَسَاكِرَ [ت ۵۷۱هـ] فِي «تَارِيخِ دِمَشْقَ»، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْعِزِّ أَحْمَدُ بْنُ عَبِيدِ اللَّهِ إِذْنًا وَمَنَاوَلَةً وَقَرَأَ عَلَيَّ إِسْنَادَهُ، أَنْبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، أَنْبَأَنَا الْمُعَافَى بْنُ زَكَرِيَّا الْقَاضِي، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْمُقَدَّمِيِّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْوَرَّاقُ، حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ عَمِّهِ -يَعْنِي عَبِيدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ بْنِ مُوسَى التَّيْمِيِّ- عَنْ كَمِيلِ.

ترجمه:

همچنین، ابن عساکر [د. ۵۷۱ق] در کتاب «تاریخ دمشق» روایت کرده، گفته است: ابو العزّ احمد بن عبید الله به صورت اذن و مناوَله ما را خبر داد و سند خود را برای من خواند، گفت: محمد بن حسین ما را خبر داد، گفت: معافی بن زکریای قاضی ما را خبر داد، گفت: محمد بن احمد



مقدمی ما را حدیث کرد، گفت: عبد الله بن عمر بن عبد الرحمن و زاق ما را حدیث کرد، گفت: ابن عائشة ما را حدیث کرد، گفت: پدرم من را حدیث کرد، از عمویش - یعنی عبید الله بن عمر بن موسی تیمی - از کمیل.

[حدیث ۲۷-۱۰]

وَرَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ [ت ۲۸۳هـ] فِي «الْغَارَاتِ»، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو زَكْرِيَّا يَحْيَى بْنُ صَالِحٍ الْحَرِيرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الثَّقَةُ، عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ.

ترجمه:

همچنین، ابراهیم بن محمد ثقفی [د. ۲۸۳ق] در کتاب «الغارات» روایت کرده، گفته است: ابو زکریا یحیی بن صالح حریری من را حدیث کرد، گفت: مردی ثقه من را حدیث کرد، از کمیل بن زیاد.

[حدیث ۲۷-۱۱]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابَوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَالْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي الثَّقَةُ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ مَغْمُورٍ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُكَ وَبَيِّنَاتُكَ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» روایت کرده، گفته است: پدرم و محمد بن حسن رضي الله عنهما ما را حدیث کردند، گفتند: سعد بن عبد الله ما را حدیث کرد، از احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب و هیثم بن ابی مسروق نهدی، از حسن بن محبوب، از هشام بن سالم، از ابو اسحاق همدانی که گفت: مردی ثقه از یارانمان من را حدیث کرد که شنید امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «خداوند! بی گمان تو زمین را از حجتی برای خود بر خلقت خالی نمی گذاری، خواه ظاهر و مشهور باشد و خواه پنهان و گمنام، تا حجت‌ها و بینات باطل نشود».

[حدیث ۲۷-۱۱۲]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ [ت ۳۲۹هـ] فِي «الْكَافِي»، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي أَسَامَةَ، عَنْ هِشَامِ وَمُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنِي الثَّقَفُ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ سَمِعُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي خُطْبَةٍ لَهُ: «اللَّهُمَّ وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لَا يَأْرُزُ كُلَّهُ، وَلَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ، وَأَنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ، ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ، كَيْلَا تَبْطُلَ حُجَجُكَ وَلَا يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، بَلْ أَيْنَ هُمْ؟ وَكَمْ؟ أَوْلِيكَ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَالْأَعْظُمُونَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ قَدْرًا، الْمُتَّبِعُونَ لِقَادَةَ الدِّينِ، الْأَيْمَةَ الْهَادِينَ، الَّذِينَ يَتَأَدَّبُونَ بِآدَابِهِمْ وَيَنْهَجُونَ نَهَجَهُمْ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْجُمُ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، فَتَسْتَجِيبُ أَرْوَاحَهُمْ لِقَادَةَ الْعِلْمِ، وَيَسْتَلِينُونَ مِنْ حَدِيثِهِمْ مَا اسْتَوَعَرَ عَلَى غَيْرِهِمْ، وَيَأْتَسُونَ بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْمُكْذِبُونَ وَأَبَاءُ الْمُسْرِفُونَ، أَوْلِيكَ أَتْبَاعُ الْعُلَمَاءِ، صَحْبُوا أَهْلَ الدُّنْيَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَوْلِيَاؤِهِ، وَدَانُوا بِالتَّقِيَّةِ عَنْ دِينِهِمْ وَالْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّهِمْ، فَأَرْوَاحُهُمْ مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى، فَعُلَمَاؤُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ خُرْسٌ صُنَّتْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ، مُنْتَظِرُونَ لِذَوْلَةِ الْحَقِّ، وَسَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ. هَا هَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْنَتِهِمْ وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ، وَسَيَجْمَعُنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَدُرِّيَاتِهِمْ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن یعقوب کلینی [۳۲۹.۵ق] در کتاب «الکافی» روایت کرده، گفته است: علی بن محمد من را حدیث کرد، از سهل بن زیاد، از ابن محبوب، از ابو اسامة، از هشام؛ همچنین، محمد بن یحیی من را حدیث کرد، از احمد بن محمد، از ابن محبوب، از هشام بن سالم، از ابو حمزه، از ابو اسحاق که گفت: مردی ثقه از یاران امیر المؤمنین علیه السلام من را حدیث کرد که شنیدند در خطبه‌ای می‌فرماید: «خداوند! من می‌دانم که علم همه‌اش منزوی می‌شود و سرچشمه‌هایش نمی‌خشکد و تو زمینت را از حجتی برای خود بر خلقت خالی نمی‌گذاری، خواه ظاهر باشد و اطاعت نشود و خواه پنهان و گمنام باشد، تا حجت‌های باطل نگردد و دوستانت پس از اینکه هدایتشان کردی گمراه نشوند، بلکه آنان کجایند و چند نفر هستند؟ آنان در شماره اندکند و در منزلت نزد خداوند جلّ ذکرها بزرگ؛ پیرو پیشوایان دین -امامان هدایت- هستند و به آداب آنان مؤدّب می‌شوند و به شیوه‌ی آنان گام بر می‌دارند، پس آن



گاه علم با حقیقت ایمان به آنان هجوم می‌آورد، پس جان‌هاشان پیشوایان علم را اجابت می‌کند و سخن‌های آنان که بر دیگران گران است را آسان می‌شمارند و با چیزی که تکذیب‌کنندگان از آن وحشت دارند و اسراف‌کنندگان از آن سر باز می‌زنند، انس می‌گیرند. آنان پیروان علما هستند که با اهل دنیا با اطاعت از خداوند تبارک و تعالی و اولیائش مصاحبت می‌کنند و با تقیّه در مورد دینشان و ترس از دشمنشان دینداری می‌نمایند، پس جان‌هاشان به جهان بالا آویخته است. علمای آنان و پیروانشان در دولت باطل خاموش و ساکتند و در انتظار دولت حق به سر می‌برند و به زودی خداوند حق را با کلمات خود تحقق می‌بخشد و باطل را از بین می‌برد. آه، آه، خوشا به حال آنان به خاطر صبرشان بر دینشان در دوران سکونشان و چه مشتاقم به دیدارشان در دوران ظهور دولتشان! خداوند ما و آنان را به همراه پدران و همسران و فرزندان صالحشان در بهشت‌های عدن جمع خواهد کرد».

[حدیث ۲۷-۱۳]

وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ بَابُوَيْهِ [ت ۳۸۱هـ] فِي «كَمَالِ الدِّينِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ»^۱، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ سَعْدَانَ، عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ -يَعْنِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ-، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَةٍ لَهُ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بَدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَيَعْلَمُهُمْ عِلْمَكَ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَلَا يَضِلَّ أَتْبَاعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ، إِمَّا ظَاهِرٌ لَيْسَ بِالْمَطَاعِ أَوْ مُكْتَتَمٌ مُتَرَقِّبٌ، إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ، فَإِنَّ عِلْمَهُ وَآدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مُثَبَّتَةٌ، فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ».

ترجمه:

همچنین، محمد بن علی بن بابویه [د. ۳۸۱ق] در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» روایت کرده، گفته است: پدرم رضی الله عنه ما را حدیث کرد، گفت: سعد بن عبد الله ما را حدیث کرد، گفت: هارون بن مسلم ما را حدیث کرد، از سعدان، از مسعدة بن صدقة، از ابو عبد الله -یعنی جعفر بن محمد صادق-، از پدران، از علی علیه السلام که در ضمن خطبه‌ای بر منبر کوفه فرمود: «خداوند! ناگزیر برای زمینت حجّتی از جانب تو بر خلقت وجود دارد که آنان را به دین تو هدایت کند و علم تو را به آنان بیاموزد، تا حجّت تو باطل نشود و پیروان اولیائت پس از اینکه هدایتشان کردی، گمراه نشوند، خواه ظاهر باشد و فرمان برده نشود و خواه پنهان و مترصد. اگر



خودش از مردم در حال تن‌آسانی‌شان غایب شود، علم و آدایش در دل‌های مؤمنان ماندگار است و آنان به آن عمل می‌کنند».

